



فصلنامه خانواده‌درمانی کاربردی

بررسی عوامل مؤثر بر کارآفرینی زنان سرپرست خانوار (مطالعه موردی: زنان سرپرست خانوار بهزیستی شهرستان دزفول)

دانشجوی دکتری، گروه مدیریت آموزشی، واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران.
استادیار، گروه مدیریت آموزشی، واحد دزفول، دانشگاه آزاد اسلامی، دزفول، ایران.
دانشیار، گروه مدیریت آموزشی، واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران.

عظیمه حلاجان

فرانک امیدیان*

محمد حسین پور

پذیرش: ۱۴۰۱/۰۹/۲۱ | ایمیل نویسنده مسئول: faranakomidian2022@gmail.com

دریافت: ۱۴۰۰/۰۲/۱۶

فصلنامه علمی پژوهشی
خانواده‌درمانی کاربردی

شاپا (الکترونیکی) ۲۷۱۷-۲۴۳۰

<http://Aftj.ir>

دوره ۳ | شماره ۵ پیاپی ۱۱۴ | ۵۱۰-۵۰۰

زمستان ۱۴۰۱

(مجموعه مقالات حوزه زنان)

نوع مقاله: پژوهشی

چکیده

هدف: هدف از پژوهش حاضر تعیین عوامل مؤثر بر کارآفرینی زنان سرپرست خانوار (مطالعه موردی زنان سرپرست خانوار بهزیستی شهرستان دزفول) بود. **روش پژوهش:** این پژوهش از نوع کیفی بوده و جامعه آماری شامل کلیه زنان سرپرست خانواری هستند که در اداره بهزیستی شهرستان دزفول پرونده‌ی خدمات حمایتی داشته‌اند. حجم جامعه ۷۰ نفر که به صورت تصادفی با ۳۰ نفر از زنان تحت پوشش اداره بهزیستی این شهرستان از طریق مصاحبه تا اشباع نظری عوامل مؤثر بر کارآفرینی در بین زنان سرپرست خانوار مورد تحلیل قرار گرفتند. داده‌های به دست آمده، با شیوه‌ی کدگذاری نظری شامل کدگذاری باز، کدگذاری محوری و کدگذاری گزینشی تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. **یافته‌ها:** نتایج نشان داد برای ارائه راه حل، شاید بهتر باشد که مقوله کارآفرینی و اشتغال‌زایی زنان سرپرست خانوار را در دو بخش عوامل فردی و زمینه‌ای تقسیم کنیم تا چاره‌اندیشی برای بهبود شرایط ساده‌تر و عملی‌تر شود. **نتیجه‌گیری:** نتایج حاصل از پژوهش نشان می‌دهد که برنامه مشاوره گروهی بر عزت‌نفس زنان سرپرست خانوار (بی‌سرپرست و بدسرپرست) تأثیر دارد. همچنین برنامه‌های آموزشی آگاه‌سازی (فردی و شغلی) و کارآفرینی بر عزت‌نفس و گرایش‌های کارآفرینی زنان سرپرست خانواره مؤثر است.

کلیدواژه‌ها: کارآفرینی، زنان سرپرست خانوار، بهزیستی، شهرستان دزفول.

به این مقاله به شکل زیر استناد کنید:
درون متن:

(حلاجان، امیدیان و حسین پور، ۱۴۰۱)

در فهرست منابع:

حلاجان، عظیمه، امیدیان، فرانک، و حسین پور، محمد. (۱۴۰۱). بررسی عوامل مؤثر بر کارآفرینی زنان سرپرست خانوار (مطالعه موردی: زنان سرپرست خانوار بهزیستی شهرستان دزفول). فصلنامه خانواده‌درمانی کاربردی، ۳(۵ پیاپی ۱۱۴): ۵۱۰-۵۰۰.

مقدمه

امروزه تمرکز یک‌جانبه دستگاه‌های اقتصادی بر تولید ثروت و تغییرات اجتماعی عمیق، تناقض‌های اقتصادی گسترده‌ای همچون شکاف بین فقیر و غنی را به وجود آورده که موجب مطرح‌شدن اندیشه‌های کارآفرینانه در حوزه‌ی مسائل اجتماعی شده است. در عصر حاضر تفکر نوآورانه کارآفرینی اجتماعی از اهمیت بالایی برخوردار است (آرند، ۲۰۲۰). کارآفرینی اجتماعی فعالیتی نوآورانه برای خلق ارزش اجتماعی است که می‌تواند درون یا در بین بخش‌های غیرانتفاعی، تجاری یا دولتی رخ دهد. بنابراین، در اینجا کارآفرینی به معنی به‌کارگیری فرایندهای نوآورانه برای ایجاد ارزش اجتماعی در جامعه است به‌طوری‌که سازمان‌های حمایتگر به‌گونه‌ای اهداف، سیاست‌ها و استراتژی‌های خود در جهت حمایت از اقشار نیازمند تنظیم کنند تا خود کارآفرین شده و با ایجاد درآمد، از زیر چتر سازمان‌ها و نهادهای حمایتگر خارج شوند (مالاپیت و کویسامبینگ، ۲۰۱۵؛ زارع و سفری دشتکی، ۱۳۹۸). کارآفرینی می‌تواند ارائه راه‌حل‌های نوآورانه برای حل مسائل اجتماعی حل نشده به‌منظور بهبود زندگی فردی و اجتماعی و افزایش بهزیستی و رفاه اجتماعی تعریف شود. هم‌چنین، کارآفرینی فرایندی پویاست که از طریق آن انواع خاصی از افراد که مستحق و شایسته نام کارآفرینان اجتماعی‌اند به ایجاد و توسعه سازمان‌هایی اقدام می‌کنند که می‌توان این سازمان‌ها را به‌صورت بنگاه‌های اجتماعی تعریف کرد (سرفرازی، قلی‌پور و خرم‌دبیری، ۱۳۸۹). مفهوم کارآفرینی و عوامل تأثیرگذار بر آن متعدّدند و تاکنون توافق خاصی برای تعریف و عوامل مؤثر بر کارآفرینی به دست نیامده است. زیرا با بسیاری از رشته‌ها، زمینه‌ها و سازمان‌ها مرتبط می‌شود. کارآفرینی شامل گستره‌ای از انواع مشاغل و زمینه‌های حرفه‌ای است و در بخش‌های انتفاعی و غیرانتفاعی ورود کرده است. تمرکز ما در این متن بر روی خلق ارزش‌های اجتماعی مددجویان تحت حمایت است (لورکیپانیدزه، برزت و بکمن، ۲۰۰۵). یک کارآفرین اجتماعی فردی است که انگیزه اجتماعی برای ایجاد ارزش‌های اجتماعی دارد که به نشان‌دادن و بروز رفتارهای کارآفرینانه منجر می‌شود و هدف او تحول زندگی اجتماعی خویش است (دالس، ولور، خینگ، ماندرس و شلنز، ۲۰۱۹). بنابراین، از اهداف کارآفرینان اجتماعی انگیزه دادن برای فعالیت‌های غیرانتفاعی، کسب ارزش‌های اجتماعی و ارائه خدمات داوطلبانه به مردم و نیازمندان است. تجربه نشان داده است که رابطه بسیار نزدیکی بین حس نوع‌دوستی و بشردوستانه، فرهنگ ایثار و ازخودگذشتگی، اعتقادات دینی و شکل‌گیری عوامل مؤثر بر کارآفرینی در جامعه وجود دارد (بمهند، حیدری و احمدی یگانه، ۱۳۹۳). مهمترین هدف کارآفرینی اجتماعی توجه به انگیزه‌های اجتماعی مانند بهبود انسجام اجتماعی، مبارزه با فقر، دفاع از حقوق بشر و ارتقای خدمات بهداشتی و درمانی است (فاضلی، طولابی و پوراشرف، ۱۳۹۸).

اما نکته قابل‌توجه رودرویی زنان با تبعیض‌های اجتماعی و اقتصادی، آنها را از دسترسی درست و دقیق به بازار کار و دستیابی به حداکثر توان بالقوه محروم می‌کند. وجود باورهای روان‌شناختی منفی مانند عدم خودباوری و اضطراب اجتماعی نیز باعث ترس از حضور در فعالیت‌های ریسک‌دار اجتماعی می‌شود (صائبی، فاس و لیندر، ۲۰۱۹). از طرفی نقش سنتی زنان در خانواده و بار مسئولیت فرزندان شرایط را سخت‌تر و قضاوت‌های جامعه را سنگین‌تر می‌نماید. به این دلایل زنان فعالیت‌های کارآفرینانه کمتری دارند و موانع اجتماعی و ساختارهای روانی و شخصیتی آنها را در موقعیتی سخت‌تر برای کارآفرینی قرار می‌دهد. این

مشکلات برای زنان سرپرست خانوار که معمولاً پشتوانه مالی و اجتماعی مناسبی نیز ندارند بزرگ‌تر خواهد بود.

الگوی معمول توانمندسازی زنان سرپرست خانوار، ارائه وام و تسهیلات، بدون در نظر گرفتن توانمندی‌ها و مهارت‌ها، ویژگی‌ها و انگیزه‌ها و توجه به زنجیره ارزش و زنجیره تأمین است که می‌تواند منجر به ناتوانی و فقر بیشتر زنان و ظهور اشکال جدید وابستگی آنها شود. با ورود این کمک‌های مالی به زندگی این زنان، در مقطعی بسیار کوتاه گشایش مالی ایجاد می‌شود و پس از آن مشکلات بزرگ‌تری ظهور می‌کنند (فاضل بیگی و یآوری، ۱۳۸۸). به طوری که عدم مهارت در مدیریت فرایندها و کسب و کار، عدم آشنایی با بازاریابی و فروش محصول در کنار مسائلی چون تصمیمات غیر صحیح آشفته‌گی را بیشتر می‌کند. این مشکلات و شکست‌های کاری و مالی حلقه‌ای از ناکامی و ناتوانی را برای زنان ایجاد می‌کند که به از بین رفتن بیش از پیش امید و عزت نفس آنها خواهد انجامید. ژوزف شومپیتر، که به پدر کارآفرینی شهرت دارد، معتقد است کارآفرین فردی است که ترکیبات جدیدی را در تولید ایجاد می‌کند. کارآفرینی، عرضه کالایی جدید، روشی جدید در فرایند تولید، ایجاد بازاری جدید و یافتن منابع جدید و ایجاد هر گونه تشکیلات جدید در کسب و کار است. به عبارتی دیگر کارآفرین فردی است که فکر جدیدی دارد و با بسیج منابع از طریق فرایند ایجاد کسب و کار (اعم از کسب و کار اینترنتی، خانگی، خانواده‌گی، کسب و کار کوچک و متوسط) که با مخاطره‌های اجتماعی و حیثیتی همراه است، محصول و فرصت جدیدی به بازار عرضه می‌کند (میگون پوری و میگون پوری، ۱۳۹۳).

در هر کشوری، نرخ اشتغال و نرخ بیکاری به طور عام، از جمله شاخص‌ها و مؤلفه‌های مهم توسعه اقتصادی به شمار می‌رود. از سوی دیگر مسئله اشتغال بانوان به طور خاص در سال‌های اخیر به دلایل مختلف حساسیت و اهمیت ویژه‌ای پیدا کرده است (زمانی مقدم و افشانی، ۱۴۰۰)؛ بنابراین آشکار نمودن ضرورت، اهمیت و شناسایی عوامل مؤثر بر ورود زنان کارآفرین به فعالیت‌های اجتماعی و ارائه یک مدل نظری در راستای رفع نیازهای اجتماعی با رویکرد کارآفرینانه با مشارکت فعالان و خبرگان حوزه اجتماعی تأکید دارد. در اکثر جوامع از جمله کشور ما، یکی از گروه‌هایی آسیب‌پذیر که نیاز حمایتی دارند، زنان سرپرست خانوار است. در چنین شرایطی، سازمان‌های مردم‌نهاد باهدف بهبود شرایط آنان از ایجاد مراکز اشتغال تا آموزش وارد عمل شده و حمایت آنان را به عهده می‌گیرند. ضرورت انجام این پژوهش بررسی عوامل مؤثر بر کارآفرینی زنان سرپرست خانوار بهزیستی شهرستان دزفول و ارائه راهکارهایی برای بهبود شرایط آنها است. بنابراین هدف از پژوهش حاضر تعیین عوامل مؤثر بر کارآفرینی زنان سرپرست خانوار (مطالعه موردی زنان سرپرست خانوار بهزیستی شهرستان دزفول) بود.

روش پژوهش

پژوهش حاضر مطالعه‌ای کیفی که به روش نظریه‌ی زمینه‌ای انجام شده و در آن، از رویکرد برساختی چارمز استفاده شده است. این رویکرد، در مسیر ساخت معنی بر روی ارتباطات بین ذهنی نویسنده و مشارکت‌کننده معطوف است. پژوهشگر احساسات مشارکت‌کنندگان را مطابق تجربه‌ی آنان از هر پدیده یا فرایند، می‌سنجد یا تشریح و تحلیل می‌کند (چارمز، ۲۰۱۴، به نقل از حسن‌پور ازغدی و همکاران، ۱۳۹۷). زمینه‌ی مدنظر مطالعه، زنان سرپرست خانواری است که تا ابتدای سال ۱۴۰۰ (زمان انجام پژوهش) در اداره‌ی بهزیستی

شهرستان دزفول پرونده خدمات حمایتی داشته‌اند. اطلاعات لازم، از طریق انجام ۳۰ مصاحبه نیمه‌ساخت‌یافته با زنان گردآوری شده و این افراد، با روش نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شده‌اند؛ در نتیجه، برای این پژوهش با افرادی مصاحبه شده است که قادر باشند بیشترین اطلاعات متناسب با سؤالات مدنظر را در اختیار بگذارند. بیشتر این افراد از میان زنانی انتخاب شده‌اند که از طریق اداره بهزیستی و کلینیک‌های مددکاری اجتماعی بهزیستی دزفول (که بیشتر فعالیت‌های آنان در خصوص خدمت‌رسانی به زنان سرپرست خانوار است) معرفی شده‌اند. مهم‌ترین معیار برای انتخاب، زنانی بوده‌اند که از لحاظ توانایی جسمی و روانی توانایی بازتوانی داشته‌اند. در این پژوهش، نمونه‌گیری تا سطح اشباع داده‌ها ادامه یافته است و پس از دستیابی نویسنده به مشابه و تکراری بودن مفاهیم و پاسخ‌ها اشباع نظری اتفاق افتاده است.

یافته‌ها

از لحاظ ویژگی‌های جمعیت‌شناختی، دامنه سنی نمونه آماری بین ۲۵ تا ۴۵ سال بود. همچنین به لحاظ دلیل سرپرست خانوار بودن بیش‌ترین فراوانی به مطلقه بودن تعلق داشت (۱۸ نفر) و از نظر میزان تحصیلات بیش‌ترین فراوانی به تحصیلات ابتدایی و بی‌سوادی تعلق داشت (۱۶ نفر).

جدول ۱. یافته‌های کیفی مربوط به شناسایی عوامل مؤثر بر کارآفرینی

خلاصه‌ای از مضمون مصاحبه‌ها و روایت گویی از زنان سرپرست خانوار در دو حوزه شناسایی شده زمینه‌ای و فردی	گذاری اولیه مربوط به شناسایی عوامل مؤثر
مصاحبه‌شونده: یکی از زنان سرپرست خانوار دارای ۸ سال سابقه در اداره بهزیستی ویژگی‌های که می‌توان از طریق آن کارآفرینی را در بین زنان سرپرست خانوار آموزش داد، کدام‌اند؟ یکی از زنان سرپرست خانوار اظهار داشت: که خانواده‌ها مخصوصاً زنان سرپرست خانوار اگر از اعتمادبه‌نفس، دانش و توانایی ریسک‌کردن برخوردار باشند و اداره بهزیستی بتواند با بهره‌گیری از این ویژگی از مهارت‌های کارآفرینی سازمانی استفاده نماید و حمایت لازم را به عمل بیاورد، زنان سرپرست خانوار به موفقیت بیشتری دست خواهند آورد. لذا به نظر بنده در این مواقع باید از نظر اعتمادبه‌نفس و خوداتکایی با آنان کار شود زیرا بیشتر به‌تنهایی بار مشکلات زندگی را به دوش می‌کشند و افسرده شده و نیاز به مشاوره دارند.	اعضای خانواده، حمایت خانوادگی در مجموعه‌ای از دوستان که همه دارای شغل آزاد هستند عقیده فردی، اعتمادبه‌نفس، علاقه فقدان دانش، موانع مالی، روبه‌روشدن با ریسک و خطر فقدان دانش و مهارت‌های کارآفرینی تجارب گروهی
مصاحبه‌شونده: یکی از زنان سرپرست خانوار دارای ۷ سال سابقه در اداره بهزیستی مشکلات و موانع مربوط به رشد کارآفرینی در بهزیستی را شامل: عدم فرصت برای اجرای خلق چیزی که زنان سرپرست خانوار در نظر دارد، می‌داند. وی همچنین نداشتن استقلال فردی، در آرزوی بودن به‌عنوان مدیر یک سازمان، داشتن استقلال مالی، عدم توسعه کیفیت زندگی و ناتوانی در مدیریت منابع انسانی زنان سرپرست خانوار، نداشتن اوقات فراغت در پیدا کردن فرصت برای به‌دست‌آوردن پول بیشتر تا حقوق بگیرد، عدم به‌دست‌آوردن موقعیت اجتماعی بهتر، را مشکل اصلی می‌داند.	- عدم فرصت برای اجرای خلق عدم استقلال فردی و مالی - عدم توسعه کیفیت زندگی در ایجاد محیط‌های کاری مطلوب - مشکل برای پیدا کردن شغل مناسب
مصاحبه‌شونده: یکی از زنان سرپرست خانوار بخش کارآفرینی	خودباوری

<p>ویژگی‌های فردی و اجتماعی در جهت کسب روحیه کارآفرینی را چگونه می‌دانید؟</p> <p>به نظر من کسب خودباوری و توانایی برای به عشق رساندن اهداف همیشه در دل اجتماع و هنجارهای، اجتماعی، علائق فردی وجود دارد.</p> <p>مصاحبه‌شونده: خانم رشیدی یکی از زنان سرپرست خانوار در بخش کارآفرینی اداره بهزیستی دزفول</p> <p>سؤال پرسیده شده که میزان دانش فردی و اجتماعی مددجویان را چگونه برآورده کرده‌اید؟</p> <p>از دیدگاه من درک فرصت و میزان نوع آموزش و پرورش در هر کشور و حمایت دانشگاه و مؤسسات آموزش عوامل ساختاری، سازمان‌های خصوصی، دولتی و هنجارهای اجتماعی، میزان حمایت‌های خانواده</p>	<p>اهمیت اجتماع هنجارهای اجتماعی علائق فردی توجه به خانواده و شناسایی نیازهای تربیتی آنان دانش، استطاعت مالی، انگیزه موفقیت، انگیزه استقلال، تجارب کاری</p>
<p>مصاحبه‌شونده: زنان سرپرست خانوار اداره بهزیستی شهرستان دزفول باسابقه ۵ سال</p> <p>متأسفانه از نظر اینجانب جلسات پرسش و پاسخ به خوبی برگزار نمی‌شود. مددجویان مسلماً مهارت‌های کاربردی و در درجه اول راه‌های جدید موفقیت در کسب و کار و همچنین مهارت‌هایی که در جامعه باتوجه به منطقه جغرافیایی افراد بتوانند با فراگرفتن مهارتی در جهت کسب منبع درآمد مناسبی جهت گذراندن زندگی به دست آورند، کمتر پرداخته شده است.</p> <p>مصاحبه‌شونده: یکی از زنان سرپرست خانوار بخش کارآفرینی سازمانی با حدود ۷ سال سابقه کار</p> <p>نظر شما درباره علل کیفیت پایین رشد کارآفرینی در بهزیستی آن هم در بین زنان سرپرست خانوار چیست؟</p> <p>به نظر من در سال‌های اخیر آموزش‌هایی که به این قشر می‌دهیم باید به گونه‌ای باشد که بازار کار برای آنها باشد مثلاً اگر حرفه‌ای آموزش دهیم که در شهرستان دزفول یا روستای آنان کاربردی ندارد کمکی به آنان نکرده‌ایم.</p> <p>مصاحبه‌شونده: یکی از زنان سرپرست خانوار بخش کارآفرینی سازمانی با حدود ۸ سال سابقه کار</p> <p>به نظر شما با موفقیت در کارآفرینی در زنان سرپرست خانوار از چه راهی امکان‌پذیر است؟</p> <p>اگر من خودم را جای این فراگیران تصور کنم دوست دارم در حین اینکه به امورات عادی زندگی که تربیت درست فرزندانم است و نیاز است که زمان مناسبی را برای آنها صرف کنم، شغلی داشته باشم که دور از حکمت زن بودنم نباشد یعنی اینکه مرا به سویی نبرد که احساس کنم مرد خانه شده‌ام بلکه حس مادری را در خودم حفظ کنم تا باعث سرخوردگی من نشود و فرزندانم بتوانند نیز در شغلم به من کمک کنند.</p>	<p>توجه همه جانبه و متناسب با نیازهای بازار کار نیازهای واقعی متناسب با بازار کار حمایت آموزشی حمایت ساختاری حمایت خانوادگی</p>
<p>مصاحبه‌شونده: یکی از زنان سرپرست خانوار بخش کارآفرینی با حدود ۶ سال سابقه کار</p>	<p>پاسخ‌گویی برنامه‌های اجرایی توجه به تناسب زمان کار و رسیدگی به امور خانواده طراحی قوانین و مقررات مدون و منظم در محیط خانه خطرپذیر بودن عدم احساس ناتوانی در کارآفرینی</p>

کسب موقعیت مناسب اقتصادی
داشتن دانش و مهارت‌ها و مدیریت

نیازهای روزمره را در جهت کسب کارآفرینی بهتر چگونه می‌دانید؟
کسب فعالیت‌های بسیار خطرپذیر و عدم احساس فقدان سرمایه می‌تواند منجر به رشد توانایی‌های کارآفرینی در بین زنان سرپرست خانوار گردد که خود می‌تواند تعیین‌کننده موقعیت مناسب اقتصادی گردد.

تأمین مالی و حمایت
صبر و حوصله برای رسیدن به اهداف، برنامه‌ریزی، ریسک‌پذیری و برنامه‌ریزی

مصاحبه‌شونده: یکی از زنان سرپرست خانوار بخش کارآفرینی با حدود ۵ سال سابقه کار به‌عنوان یک زنان سرپرست خانوار ویژگی‌های شخصیتی را چقدر در کارآفرینی سهیم می‌دانید؟

اما پشتیبانی از هنرآموزان توسط مسئولین مربوطه خود باعث گرفتن روحیه و خدایی نکرده از دست دادن روحیه هنرآموزان می‌شود متأسفانه باتوجه به اقتصاد موجود به‌هرحال چه بخواهیم و چه نخواهیم این امر بر هنرآموزان تأثیر خواهد داشت لذا مسئولین محترم باید بدانند که رکن اصلی هر مملکت از پزشک، مهندس، مغازه‌دار، کارمند، کارگر شهرداری، رئیس‌جمهور، وزیر و حتی خود معلم و هنرآموز بر اساس آموزش بنا نهاده و لذا آموزش در هر مملکت باعث پیشرفت در همه زمینه‌ها خواهد شد لذا پشتیبانی و تأمین مالی هنرآموزان تأثیر بالایی در روحیه و کارکرد هنرآموز می‌گذارد.

حمایت‌های مالی مستمر

مصاحبه‌شونده: یکی از زنان سرپرست خانوار بخش کارآفرینی با حدود ۵ سال سابقه کار

باتوجه به هزینه‌های بالا در امر تولید نیاز است که زنان سرپرست خانوار در رشته‌هایی آموزش داده شوند که با صرف هزینه کم و زمان کوتاه، امکان حضور این زنان در خانواده به دلیل حفظ حریم خانواده و نیاز بودن این زنان در خانواده و انجام وظیفه مادری که از هر چیز دیگری بالا است وجود داشته باشد و نهایتاً محصولی که تولید می‌شود چیزی باشد که مایحتاج مردم باشد که روزانه به آن نیاز دارند تا این سرپرست خانوار سریعاً بدون واسطه به سود حاصله که همانا دخل و خرج خانواده است برسد و بتواند علاوه بر گذران زندگی، هزینه خرید مواد اولیه و هزینه‌های جانبی شغل را جهت ادامه کار داشته باشد که نیاز به وابسته شدن به وام و سرمایه‌گذار نشود هرچه کار کوچک‌تر و سریع‌تر انجام گیرد دسترسی به سود و سرمایه سریع‌تر خواهد بود.

با بررسی کدهای به‌دست‌آمده از جدول فوق نیازهای آموزشی در حوزه‌های هنر، کشاورزی، خیاطی و آرایشگری، کامپیوتر بررسی ویژگی‌های کارآفرینی زنان و نیازهای مربوط به تربیت و مدیریت خانواده شناسایی شدند. به‌منظور بررسی عمیق‌تر و شناسایی نیازهای آموزشی با استفاده از روش آرشویی مستندات مربوط انواع دوره‌های برگزار شده، تعداد شرکت‌کنندگان و میزان کارآفرینی زنان سرپرست خانوار که در طی پنج سال نیز بررسی شد که در جدول بالا مشاهده می‌شود.

بعد از تجزیه و تحلیل اطلاعات حاصل از مصاحبه‌ها ۲ مقوله اصلی در رابطه با دلایل و زمینه‌های مشارکت نکردن زنان در مصاحبه استخراج شده است که شامل عوامل فردی و زمینه‌ای هستند.

جدول ۲. کد مفاهیم و مقوله‌های استخراج‌شده

مقوله‌ها	عوامل فردی
	محدودیت‌های شخصی و خانوادگی باعث بروز مشکل

وجود موانع فرهنگی، اجتماعی و باورهای کلیشه‌ای	عوامل فردی
اعتقادات و اصول حاکم بر جامعه سبب بروز فضای بسته	عوامل زمینه‌ای
حمایت‌های سازمانی و سیاست‌گذاری‌های درست	عوامل زمینه‌ای
تقویت سازمان‌های اجتماعی در راستای حمایت	عوامل زمینه‌ای
حقوق و دستمزد پایین و نداشتن سوابق بیمه‌ای	عوامل زمینه‌ای
تشویق زنان به فعالیت‌های اقتصادی و حمایت مالی آنها	عوامل زمینه‌ای
توسعه میزان تحصیلات و افزایش مهارت‌ها	عوامل فردی
اعتماد ارباب‌رجوع به زنان کارآفرین	عوامل فردی
باورهای زنان در کار و پیش یا بازدارنده بودن آنها	عوامل فردی
باتوجه به هزینه‌های بالا در امر تولید نیاز است	عوامل فردی
نیاز به وابسته شدن به وام و سرمایه‌گذار نشود دسترسی به سود و سرمایه سریع‌تر خواهد بود.	عوامل فردی
هزینه خرید مواد اولیه و هزینه‌های جانبی شغل را جهت ادامه کار	عوامل زمینه‌ای
موفقیت به سبب پافشاری و خودباوری زنان	عوامل فردی
داشتن دانش کارآفرینانه و تفکر استراتژیک و سیستمی	عوامل فردی
مستقل بودن و وجود استقلال در عمل و رفتار و تعهد	عوامل فردی
استفاده از تهدیدها و فرصت‌ها و انطباق‌پذیری با اوضاع	عوامل زمینه‌ای
بروز خلاقیت و نوآوری و وجود قدرت تحلیل بسیار	عوامل زمینه‌ای

بعد از تجزیه و تحلیل اطلاعات حاصل از مصاحبه‌ها ۲ مقوله اصلی در رابطه با دلایل و زمینه‌های مشارکت نکردن زنان در مصاحبه استخراج شده است که شامل عوامل فردی و زمینه‌ای هستند.

بحث و نتیجه‌گیری

توانمندسازی به دنبال تأثیرگذاری، معناسازی، خودسامانی و بهبود شایستگی‌های فردی و گروهی است تا از این طریق، کسب‌وکارها از توانایی‌های، قابلیت‌ها، نیازها و خواست‌های خود، آگاه شده و با ایجاد اعتماد به نفس و خوداتکایی و افزایش توانمندی‌ها، شرایط لازم برای تحقق اهداف کسب و کار فراهم شود. در این پژوهش میزان کارآفرینی زنان سرپرست خانوار که در طی پنج سال نیز بررسی شد؛ لذا نتایج این یافته‌ها با تحقیقات پژوهشگرانی همچون شهامت نژاد و همکاران (۱۳۹۹)، وظیفه و رمودی (۱۳۹۵)، طباطبایی یحیی آبادی و حسینیان (۱۳۸۴) و یافته‌های تحقیق آهایر و سدوارت (۲۰۱۰) مطابق و همسو است.

موضوع عوامل مؤثر بر کارآفرینی یکی از مباحثی است که توجه به آن می‌تواند به بهتر شدن فرایند انجام امور خیر و نیکوکاری در سطح جامعه و به خصوص در مؤسسات خیریه منجر شود. فرایند کارآفرینی باعث می‌شود افراد با کسب مهارت‌هایی که باعث ایجاد درآمد برای آن‌ها می‌شود به بازار کار بپیوندند و به جای رفع موقت مشکلات افراد، آن‌ها را به صورت ریشه‌ای و طولانی مدت رفع کنند؛ بنابراین اگر مؤسسات خیریه بتوانند با همکاری کارآفرینان به خصوص کارآفرینان اجتماعی بستر و زمینه‌های آموزش و توانمندسازی افراد نیازمند را فراهم کنند به هدف خود که کاهش فقر و کاهش آسیب‌های اجتماعی ناشی از آن است نزدیک‌تر

می‌شوند. هم چنین با این کار روحیه کار و فعالیت و پرهیز از تنبلی در بین افراد نیازمند افزایش پیدا می‌کند. به نظر می‌رسد حرکت به سمت عوامل مؤثر بر کارآفرینی نتایج مثبتی برای افراد نیازمند، مؤسسات خیریه و به صورت کلی برای جامعه به همراه خواهد داشت (بمهند، حیدری و احمدی یگانه، ۱۳۹۳).

در تبیین این یافته‌ها می‌توان چنین گفت که؛ بسیاری از دولت‌ها در بحران‌های اقتصادی توانسته‌اند با اتخاذ تدابیر و سیاست‌هایی و با بهره‌مندی از نیروی کار زنان بر بحران‌های جامعه خود فایق آیند و در مسیر توسعه موفق شوند. با توجه به اینکه بخش عظیمی از جامعه را زنان تشکیل می‌دهند، درمان زنان، بررسی وضعیت زنان سرپرست خانوار اهمیت ویژه‌ای دارد (فاضل بیگی و یوری، ۱۳۸۸). از آنجاکه زنان سرپرست خانوار به علت وضعیت نابسامان اقتصادی، نبود شغل مناسب، ناکافی بودن مستمری و نداشتن منبع درآمد اغلب به‌عنوان فقیرترین اقشار اجتماعی در جامعه محسوب می‌شوند. همچنین در جامعه کنونی ایران که از بیماری مزمن بیکاری و بحران اشتغال رنج می‌برد و مردان در پیش غلی هستند که از آن درآمد بخور نمیر به دست آورند، جا برای زندگی و کار زنانی که نان‌آور خانواده هستند بسیار تنگ است؛ لذا کارآفرینی این قشر از جامعه از اهمیت به‌خصوصی برخوردار است. هدف از تحقیق حاضر بررسی کارآفرینی زنان سرپرست خانوار است سیاست‌گذاران می‌بایست برای زنان سرپرست خانوار، برنامه‌های حمایتی از جمله ایجاد تسهیلات برای دسترسی آسان‌تر به خدمات مالی و تسهیلاتی برای توسعه کسب‌وکار و صادرات محصولات ارائه کنند، زیرا ساختارهای قانونی مناسب و حمایت نهادهای دولتی، بیش از سایر متغیرها بر کارآفرینی زنان تأثیر دارد. ارائه این خدمات و تسهیلات باید به‌صورت گردشی و عادلانه باشد تا علاوه بر کاهش انحصار در ارائه خدمات، به افزایش توانمندی افراد و خودکفایی آنها کمک کند. توسعه عوامل مؤثر بر کارآفرینی، در سیاست‌های برنامه‌ریزی اجتماعی قرار دارد و برای توسعه زنجیره ارزش داخل شهرستان دزفول در قالب ارتباطات، سبک زندگی، کاهش فقر، توسعه اشتغال و ثروت و ایجاد کسب‌وکارهای نوپا و خانگی می‌بایست تالش و برنامه‌ریزی مناسب‌تری انجام شود. همچنین باید راه‌اندازی و تأسیس مرکزی برای ارائه خدمات آموزشی، حمایتی، مشاوره‌ای و شغلی برای فعالیت‌های کارآفرینی زنان سرپرست خانوار و برگزاری دوره‌های مختلف کارآموزی در رشته‌هایی که بتوانند در آن زمینه‌ها به فعالیت کارآفرینانه و کسب‌وکار بپردازند، مدنظر قرار گیرد و نیز شایسته است تا برای توسعه‌ی بیشتر عوامل مؤثر بر کارآفرینی در بین زنان اجتماعی از روش‌های آموزش عملی، از زنان کارآفرین موفق و رسانه‌های جمعی استفاده شود. آموزش در این روند، به معنی انتقال نظام‌مند دانش، اطلاعات و مهارت‌هایی است که به اشکال مختلف و باهدف تقویت توانمندی‌های فردی، اجتماعی و اقتصادی زنان سرپرست خانوار و بهبود فرصت‌های شغلی آنان انجام می‌شود. سیاست‌گذاران می‌توانند با ایجاد مراکز مشاوره‌ای و ارائه خدمات مشاوره‌ای لازم به این گروه‌ها، علاوه بر حمایت و هدایت آنها، به ارتقای عوامل مؤثر بر کارآفرینی از طریق کسب‌وکارهای نوپا و خانگی کمک کنند و از طرفی این مراکز می‌توانند به‌عنوان مطلعین امر در هدایت افراد دیگری که قصد کارآفرینی‌های جدید در حیطه‌های مختلف را دارند، نقش‌آفرینی کنند. این پژوهش نیز مانند هر پژوهش دیگری دارای محدودیت‌هایی بود. یکی از این محدودیت‌ها شیوه نمونه‌گیری و محدودیت دیگر نیز استفاده از مصاحبه جهت گردآوری داده‌ها بود. محدودیت‌های ذکر شده باعث می‌گردد نتوان با اطمینان یافته‌ها را تعمیم داد؛ لذا پیشنهاد می‌گردد در تعمیم یافته‌های این پژوهش جوانب احتیاط

رعایت گردد. به علاوه، پیشنهاد می‌گردد پژوهش‌های بیش‌تری در این زمینه به خصوص پژوهش‌های کمی صورت گیرد.

موازین اخلاقی

در این پژوهش موازین اخلاقی شامل اخذ رضایت آگاهانه، تضمین حریم خصوصی و رازداری رعایت شد. همچنین شرکت‌کنندگان در مورد خروج از پژوهش مختار بودند.

سپاسگزاری

نویسندگان پژوهش حاضر بر خود لازم دانستند که از کلیه افرادی که در پژوهش شرکت نمودند، کمال تشکر و سپاس خود را ابراز نمایند.

مشارکت نویسندگان

همه نویسندگان این پژوهش در طراحی، مفهوم‌سازی، روش‌شناسی، گردآوری داده‌ها، تحلیل آماری داده‌ها، پیش‌نویس، ویراستاری و نهایی‌سازی نقش یکسانی داشتند.

تعارض منافع

بنا بر اظهار نویسندگان، این مقاله حامی مالی و تعارض منافع ندارد.

منابع

- بمهند، داداله، حیدری، تقی، و احمدی یگانه، محمدعلی. (۱۳۹۵). تحلیل اثر بخشی توانمندسازی زنان سرپرست خانوار با رویکرد کارآفرینی مطالعه موردی: زنان سرپرست خانوار شهر زنجان. اولین همایش ملی بهبود کسب و کار، کارآفرینی توسعه در بستر اقتصاد مقاومتی.
- زارع، رضا، و صفری دشتکی، محمد. (۱۳۹۸). طراحی و تبیین مدل پارادایمی کارآفرینی اجتماعی با رویکرد توانمندسازی زنان سرپرست خانوار (مطالعه موردی: کمیته امداد امام خمینی(ره) استان فارس). زن در توسعه و سیاست، ۱۷(۱)، ۱۴۷-۱۷۱.
- زمانی مقدم، مسعود، و افشانی، سیدعلیرضا. (۱۴۰۰). توانمندسازی زنان سرپرست خانوار در ایران: مروری نظام‌مند. رفاه اجتماعی، ۲۱(۸۰)، ۸۰-۴۵.
- سرفرازی، مهرزاد، قلی‌پور، وحید، و خرم‌دیبری، محمدرضا. (۱۳۸۹). پارادایم توسعه کارآفرینی سازمانی، ضرورتی اساسی در سازمانهای هزاره سوم. اولین کنفرانس سالانه مدیریت، نوآوری و کارآفرینی. شهامت نژاد، مینا، ضیاء، بابک، اشرفی، مجید، و آزما، فریدون. (۱۳۹۹). طراحی مدل توسعه کارآفرینی شهری زنان سرپرست خانوار (مطالعه موردی: شهر تهران)، مجله پژوهش‌های انتظامی - اجتماعی زنان و خانواده، ۱۸(۱)، ۱۴۸-۱۲۳.
- طباطبایی یحیی آبادی، شهناز، و حسینیان، سیمین. (۱۳۸۴). توانمندسازی زنان سرپرست خانواده از طریق مشاوره گروهی، آگاه‌سازی و کارآفرینی. خانواده پژوهی، ۱(۴)، ۳۵۹-۳۶۸.
- فاضل بیگی، محمدمهدی، و یاوری، غلامرضا. (۱۳۸۸). تعاون روستایی سرآغازی بر توسعه کارآفرینی. تعاون و کشاورزی (تعاون)، ۲۰(۲۰۴-۲۰۵)، ۴۱-۶۲.
- فاضلی، فریبا، طولابی، زینب، و پوراشرف، یاسان‌الله. (۱۳۹۸). شناسایی چالش‌ها و فعالیت‌های استراتژیک اجتماعی کارآفرینی اجتماعی (مورد مطالعه: سازمان تامین اجتماعی شهر ایلام)، فصلنامه برنامه ریزی رفاه و توسعه اجتماعی، ۱۰(۳۹)، ۲۹-۵۵.

میگون پوری، مرضیه، و میگون پوری، الهه. (۱۳۹۲). مفهوم پردازی فرایند شکل گیری کارآفرینی اجتماعی در سازمان بهزیستی کشور. همایش دانشگاه کارآفرین؛ صنعت دانش محور.

وظیفه، زهرا، و رمرودی، فاطمه. (۱۳۹۵). بررسی کارآفرینی زنان سرپرست خانوار. پنجمین کنفرانس بین المللی حسابداری و مدیریت و دومین کنفرانس کارآفرینی و نوآوری های باز.

References

- Ahirrao, J., & Sadavarte, M. (2010). Social and financial constrancial of rural woman entrepreeurs: A case study of jalna district in maharashtra.
- Arend, R. J. (2020). Modelling Social Entrepreneurship: Consideration of the Reacting Forces. *Journal of Social Entrepreneurship*.
- Dahles, H., Verver, M., Khieng, S., Manders, I., & Schellens, N. (2019). Scaling up social enterprise: Predicament or prospect in a comparative perspective. *Journal of Social Entrepreneurship*.
- Jenssen, J. I., & Nybakk, E. (2009). Inter-organizational innovation promoters in small, knowledge-intensive firms. *International Journal of Innovation Management*, 13(03), 441-466
- Lang, R., & Fink, M. (2019). Rural social entrepreneurship: The role of social capital within and across institutional levels. *Journal of Rural Studies*, 70.
- Lordkipanidze, M., Brezet, H., & Backman, M. (2005). The entrepreneurship factor in sustainable tourism development. *Journal of cleaner production*, 13(8), 787-798.
- Malapit, H. J. & Quisumbing, A. R. (2015). What Dimensions of Women's Empowerment in Agriculture Matter for Nutrition-Related Practices and Outcomes In Ghana. *Food Policy*, 52: 54-63.
- Saebi, T., Foss, N. J., & Linder, S. (2019). Social entrepreneurship research: Past achievements and future promises. *Journal of Management*, 45(1).

Investigating factors affecting the entrepreneurship of women heads of households (case study: women heads of households welfare of Dezful County)

Azimeh. Halajan¹, Faranak. Omidian^{2*} & Mohammad. Hosseinpour³

Abstract

Aim: Entrepreneurship is a very new phenomenon and a process that plays a vital role in national and even global continuity, growth and development. The topic of women's entrepreneurship is expanding rapidly, and women's entrepreneurship is a special and attention-grabbing topic all over the world. The aim of the current research is to investigate the factors influencing the entrepreneurship of women heads of households (a case study of women heads of households in welfare of Dezful city). **Method:** The research method is of a qualitative type and the statistical population includes all women heads of households who have filed for support services in the Welfare Department of Dezful city. The population size of 70 people who were randomly analyzed with 30 women covered by the welfare department of this city through interviews until the theoretical saturation of factors affecting entrepreneurship among female heads of households. **Results:** The obtained data were analyzed by the method of theoretical coding including open coding, axial coding and selective coding. The findings showed: To provide a solution, it may be better to divide the category of entrepreneurship and employment of women heads of households into two parts of individual and contextual factors, so that the solution to improve the conditions becomes simpler and more practical. **Conclusion:** The results of the research show that the group counseling program has an effect on the self-esteem of female heads of households (single and abused). Also, awareness training programs (personal and professional) and entrepreneurship are effective on the self-esteem and entrepreneurial tendencies of female heads of the family.

Keywords: *Entrepreneurship, women heads of household, welfare, Dezful county.*

1. PhD student, Department of Educational Management, Ahvaz Branch, Islamic Azad University, Ahvaz, Iran.

2. ***Corresponding author:** Assistant Professor, Department of Educational Management, Dezful Branch, Islamic Azad University, Dezful, Iran.
Email: faranakomidian2022@gmail.com

3. Associate Professor, Department of Educational Management, Ahvaz Branch, Islamic Azad University, Ahvaz, Iran.